

Ethical Challenges of Women's Presence in Cyberspace with Emphasis on the Status of Hijab

Azar Eskandari 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Azadshahr,
Iran (Corresponding Author). Azareeskandari@ymail.com

Mohtaram Gholipour Alarezi

PhD Student, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Golestan, Iran.
gholipour1352@gmail.com

Alireza Esmaeili

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Golestan,
Iran. are1346@gmil.com

Mohammadreza Naeimi

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Golestan,
Iran. m.r.naeimi60@gmail.com

Abstract

Objective: The aim of this article is to examine the ethical challenges faced by women in cyberspace, with a particular focus on the issue of hijab. According to religious teachings, self-display, excessive adornment, and public exhibitionism are forbidden, and the observance of hijab and modesty is strongly emphasized. However, such behaviors have become normalized in the virtual environment. Therefore, it is essential to continuously study and investigate the reasons behind this phenomenon.

Methodology: This research employs a review and secondary analysis

Cite this article: Eskandari, A., Gholipour Alarezi, M., Esmaeili, A., & Naeimi, M. (2025). Ethical challenges of women's presence in cyberspace with emphasis on the status of hijab. *Journal of Religious Media Studies*, 7(26):41-73.
<https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.456599.1176>

Received: 2024/05/09 Revised: 2025/05/07 Accepted: 2025/05/07 Published online: 2025/08/05

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: IRIB University

approach, drawing upon both authored books and field studies related to the subject. The article presents relevant considerations and findings from previous research.

Findings and Conclusion: The studies indicate that the expansion of cyberspace, coupled with limited awareness, advertising pressures, the inherent capacities of women, and the desire for personal growth, empowerment, and visibility, have contributed to the rise of certain social disorders. These include moral relativism, the growth of feminism, gender-based harassment, and the weakening of modesty and hijab. Addressing these challenges requires a deep understanding of the nature of cyberspace, attention to essential life needs, and a focus on the true factors of human well-being. In this way, it is possible to enable women's presence in cyberspace while maintaining the boundaries of modesty and hijab, thus paving the way for a pure, spiritual, and fulfilling life.

Keywords: Ethical challenges, women, cyberspace, hijab, adolescents, youth.



چالش‌های اخلاقی حضور بانوان در فضای مجازی با تأکید بر وضعیت حجاب

آذر اسکندری^{ID}

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول)؛ Azareeskandari@ymail.com

محترم قلی پور الارزی

دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران. gholipour1352@gmail.com

علیرضا اسماعیلی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران. are1346@gmail.com

محمدرضا نعیمی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران. m.r.naeimi60@gmail.com

چکیده

هدف: هدف مقاله بررسی چالش‌های اخلاقی حضور بانوان در فضای مجازی به‌ویژه

استناد به این مقاله: اسکندری، آذر؛ قلی‌پور الارزی، محترم؛ اسماعیلی، علیرضا؛ نعیمی، محمدرضا (۱۴۰۴). چالش‌های اخلاقی حضور بانوان در فضای مجازی با تأکید بر وضعیت حجاب. مطالعات دینی

رسانه، ۷ (۲۶): ۴۱-۷۳. <https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.456599.1176>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

ناشر: دانشگاه صدا و سیما

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



وضعیت حجاب است. در آموزه‌های دینی، خودنمایی و خودآرایی و تبرج در فضای عمومی تحریم شده و به رعایت حجاب و عفاف تأکید شده است. این روند اکنون در فضای مجازی عادی شده است. بنابراین ضروری است چرایی این وضعیت مورد مطالعه و بررسی مداوم قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش: این تحقیق با روش مرور و تحلیل ثانویه و مطالعه بر روی کتب و مقالات تألیفی و میدانی مربوط به این موضوع، ملاحظات و نتایج تحقیقات معرفی می‌گردد. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: این مطالعات آن است که با گسترش فضای مجازی و ضعف شناخت و فشار تبلیغات و وجود ظرفیت‌های زنانه و تمایل به رشد و تعالی فردی و کسب توانمندی و دیده‌شدن منجر به رشد بعضی ناهنجاری‌ها مانند نسبی‌گرایی اخلاقی، رشد فمینیسم، تعرضات جنسیتی و تضعیف عفاف و حجاب و از این قبیل شده است که راه مقابله با آن به شناخت و درک ماهیت فضای مجازی و توجه به نیازهای ضروری زندگی و عوامل واقعی سعادت انسانی منوط است. در این صورت، هم امکان حضور در این فضا را می‌توان فراهم کرد و هم با رعایت مرزهای عفاف و حجاب، راه رسیدن به حیات پاک و سعادت و معنویت مهیا می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، چالش‌های اخلاقی، بانوان، فضای مجازی، حجاب، نوجوانان، جوانان.

مقدمه

اخلاق مهم‌ترین میوه عقاید، باورها، دستورات و قوانین دین اسلام بوده و پایه و اساس ماندگاری فرهنگ و تمدن اسلامی و بلکه نشانه هویت آن است. در جامعه‌ای که به لحاظ تاریخی دارای پیشینه‌ی طولانی است و از نظر فرهنگی، تمدنی و شیوه‌های زندگی و تعامل در بین خود و دیگران، یعنی ارتباط با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، دارای الگوهای رفتاری با ثبات و مبتنی بر شناخت و باورهای عمیق و با سابقه‌ی طولانی است، انتظار می‌رود که مدار تغییرات در منش و رفتار افراد جامعه نیز بر محور ریشه‌ها و بنیان‌های استوارش برقرار بماند و تحولات

و تغییرات زمانه باعث رشد و شکوفایی بیشتر آن گردد. به دیگر سخن هرگونه تغییر در ظواهر در اثر تعامل با فرهنگ‌ها و دستاوردهای تمدن‌های پیرامونی، نباید منجر به نفی بنیان‌ها، ریشه‌ها و تضعیف دستاوردهای آن گردد.

از آنجا که در اسلام به‌عنوان دین و حیانی و مکتب جامع و فراگیر، آموزه‌ها برای تربیت تمام ابعاد وجودی و همه جنبه‌های زندگی انسان عرضه شده است تا علاوه بر ابعاد دنیوی، از طریق نحوه زیست، سعادت اخروی افراد نیز تأمین شود، پس فرد مسلمان وظیفه دارد زندگانی خود را با رعایت کلیات و جزئیات دقیق تعالیم و دستورات الهی منطبق نماید و با عزم و اراده قوی و قاطعیت در رفتار، زندگی فردی و اجتماعی را به سمت سعادت اخروی و حیات طیبه پیش ببرد. این مهم علاوه بر تلاش فردی، مستلزم کوشش همگانی است تا سعادت کل افراد جامعه با همیاری و همبستگی محقق گردد. تعبیر «امت» در قرآن تا حدود زیادی برای بیان این دغدغه مطرح شده است. بنابراین سرنوشت همگانی باید دغدغه تمام افراد جامعه به‌ویژه مدیران فرهنگی و دست‌اندرکاران رسانه باشد، تا با عمل به اخلاقیات و قوانین شرعی و الهی و آداب و سنن مفید، امکان رشد و تعالی آحاد افراد جامعه فراهم گردد.

امروزه فضای مجازی یکی از بسترهایی است که این منظومه و اهداف و مقاصد مبتنی بر آن را به چالش می‌کشد. حضور گسترده زنان و به‌ویژه دختران نوجوان در این فضا، انواعی از آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی را موجب گردیده است که با اصل هدف از حضور در این فضا که رشد و تعالی فردی و اجتماعی است، تعارض دارد. به این ترتیب فضای مجازی با وجود آثار مثبت، زمینه‌ساز آسیب‌های فراوان و نوینی نیز شده است.

پرداختن به چالش‌های اخلاقی حضور بانوان در فضای مجازی به‌ویژه امر پوشش و حجاب در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. با گسترش فضای مجازی اکنون دیگر به‌نمایش درآوردن بسیاری از جزئیات زندگی و انجام بعضی رفتارها مانند تجمل‌گرایی، خودنمایی و خودآرایی و به تعبیر دینی تبرّج، عدم رعایت پوشش مناسب و زیرپا نهادن شئون اخلاقی و اسلامی و به‌خصوص حجاب به امری عادی و روزمره تبدیل شده است.

سرعت تغییر در رفتار عموم مردم، به‌ویژه بانوان و به‌خصوص دختران و مادران جوانی که خود وظیفه تربیت نسل‌های بعدی را برعهده دارند، موجب نگرانی است.

شاید کسانی ندانند رفتارهایی مانند تغییر در خُلقیات زنان، نحوه رفتار، و نیز تغییرات رایج در پوشش و حجاب، خلاف شئونی است که از جانب آموزه‌های دینی و اوامر الهی بیان شده است و تَبَرّج به حساب می‌آید که با صراحت از آن نهی شده است، اما کسانی هم هستند که می‌دانند تَبَرّج چیست و چرا منکر معرفی شده است. با این حال به حریم الهی و آنچه تاکنون بدان باور داشته‌اند تعدّی می‌کنند و به‌راحتی این آموزه‌ها را را نادیده می‌گیرند.

از طرفی بر پایه عقاید و آموزه‌های اسلامی و فرهنگ حاکم بر این سرزمین در طی مدت‌های طولانی، از طریق متون اخلاقی و فقهی، قانون اساسی، و اسناد بالادستی، دستورات و قوانینی وضع شده است که طبق آن‌ها رعایت پاره‌ای از اخلاقیات، آداب و سنن و مناسبات بر همگان لازم شمرده شده است، اما ملاحظه می‌گردد که در ابعاد وسیعی این موارد رعایت نمی‌شود و در نهایت به شکسته شدن حرمت اخلاق، قانون، شأن پلیس و مجریان منتهی می‌گردد. گاهی به نظر می‌آید که بعضی از رسانه‌های داخلی هم برای تشدید این تعارضات حاضرند به هر توجیه و تفسیر، یا تناقض و تضادی دامن بزنند. کسانی هم با زنده‌ترین رفتار و کردار و پوشش، دم از حفظ فرهنگ اصیل ایرانی و یا حتی اسلامی می‌زنند، و یا با پوشش نامناسب، از حفظ سنت‌های دینی-اسلامی و ایرانی و یا قومی سخن می‌گویند، ولی کمترین تناسبی را در حفظ شأن این آداب و سنن، رعایت نمی‌کنند. حتی کسانی هستند که با ظواهر زنده در مراسم عبادی و عزاداری شرکت می‌کنند و قرآن بر سر می‌گیرند و تضرع و زاری می‌کنند، اما ابتدایی‌ترین فرامین الهی و شرعی را نادیده می‌گیرند. این اوضاع گرچه مدت زمان زیادی است که وجود دارد، ولی از یک دهه گذشته رواج بیشتری پیدا کرده و اکنون می‌توان انبوهی از این رفتارها را در محافل و مجالس مشاهده کرد. پس این سؤال مطرح می‌گردد که چرا بخشی از اعضای جامعه به هویت دینی و تاریخی خود، بی‌اعتنایی می‌کنند؟ آیا وقوع چنین تغییراتی ناشی از تأثیر فضای مجازی بر منظومه شناخت و آگاهی آن‌ها است یا ناشی از تغییرات روانی و عاطفی آن‌ها است؟ چگونه تعارضات فرهنگی عمیق

در جامعه رواج پیدا کرده و عادی شده است؟ آیا این تغییرات نتیجه تن دادن به یک سری علایق و سلائی است که در اثر انفعال در مقابل فضای مجازی و پذیرش قالب‌های رسانه‌ای صورت می‌گیرد؟ به طور خلاصه آیا این تغییر رفتارها، ریشه‌های شناختی دارد یا ریشه‌های روانی؟ و یا این که هر دو مورد می‌تواند با هم در شکل‌گیری شخصیت و رفتار افراد مؤثر باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله از نوع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحقیقات نظری و میدانی مؤلفان و محققانی است که پیشاپیش به صورت نظری و یا مطالعات میدانی و پرسشنامه‌ای در قالب کتب و مقالات انجام داده‌اند. در واقع هدف آن است که با تحلیل ثانویه مبتنی بر اطلاعات موجود، جمع‌بندی مفیدی برای استفاده بیشتر از آن تحقیقات فراهم گردد. نگارنده معتقد است مروری گزارش‌گونه و توصیفی و تحلیلی، گام مهمی برای کاربردی کردن نتایج آن تحقیقات ارزشمند و در دسترس قرار دادن بیشتر آن‌ها است.

مبانی نظری

یکی از ویژگی‌های جامعه امروز نسبت به گذشته، سرعت روبه‌گسترش تغییرات است. از طرفی نسل‌های کنونی بیش از هر زمان، شاهد دگرگونی در فناوری و نیز تغییرات اجتماعی ناشی از آن هستند، از این رو شاهد پیدایش دوگانگی و جدایی فرهنگی بی‌سابقه میان نسل‌های گذشته و امروز، و ظهور نسل‌هایی با امکانات، تجارب، معرفت، ایده‌ها و خواسته‌های متمایز از نسل‌های قبل و حتی در تعارض جدی با آن‌ها هستیم (توکل و قاضی‌زاده، ۱۳۸۵). پس اگرچه در مواجهه این تغییرات و چالش‌ها با تعبیری چون شکاف، گسست و یا فاصله نسلی با مبانی نظری متفاوتی مواجه هستیم، اما واقعیت یک چیز است و آن وجود نزاع، درگیری، کشمکش، تضاد، قهر و چالش‌های مداوم شناختی، عاطفی، هیجانی، کلامی و رفتاری بین نسلی است. با این حال افزایش شکاف در نگرش‌ها و ارزش‌ها به افزایش تنوع در شیوه‌های زندگی و رشد فردگرایی و شیوع ملزومات آن همراه شده است. امروزه این روند با توجیه رویکرد دموکراتیزه

شدن جامعه همراه می‌شود و برای تحقق این هدف از طرف جوامع سیاست‌گذار هزینه‌های زیادی صرف می‌گردد (مانهایم، ۱۹۵۲).

مانهایم در مورد تغییرات نسلی معتقد است که «ظهور یک نسل حقیقی و تبلور یک آگاهی نسلی متمایز نتیجه حوادث تاریخی عظیمی است که افراد در حدود ۲۵-۱۷ سالگی خود در داخل حوزه جغرافیایی واحدی، به‌طور مشترک آن را تجربه می‌کنند. نظریه مانهایم، تحلیلی تاریخی و ذهنی با تأکید بر روی تجارب ویژه، آگاهی و ذهنیت نسلی است. مفروضات اساسی مانهایم بر این تجربه مبتنی است که تجارب دوره زندگی به‌ویژه دوره اصلی جامعه‌پذیری آن نسل، بر گرایش‌های ذهنی یک نسل در طول حیات آن‌ها تأثیری قاطع دارد و چارچوب مفهومی قدرتمندی را برای پیش‌بینی گرایش‌های فرهنگی هر نسل فراهم می‌سازد. در نظر مانهایم ارزش‌های نسل قبل به‌طور کامل از بین نمی‌روند، بلکه نسل جدید دست به بازتعریف ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم می‌زند. به این ترتیب در یک جمله طبق دیدگاه مانهایم، تغییر در آگاهی، باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی نسل‌های جدید نسبت به نسل‌های قدیمی، باعث تغییرات و دگرگونی در شیوه‌های زندگی و به احتمال زیاد گسست نسلی می‌گردد، اما این به معنی شکاف و یا انفصال نسلی نیست (توکل و قاضی‌زاده، ۱۳۸۵).

از نظر اینگلهارت نگرش‌های فردی را می‌توان یک‌شبه تغییر داد، اما تغییر در مؤلفه مرکزی جهان‌بینی مردم تا حد زیادی وقتی رخ می‌دهد که یک نسل جایگزین نسل دیگر شود. جهان‌بینی‌هایی که در جوامع مختلف متداول هستند می‌توانند تغییر یابند، اما آن‌ها به تدریج و به‌طور عمده از طریق جایگزینی جمعیت یک نسل به جای نسل دیگر تغییر می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۹۵). اینگلهارت در کتاب خود با عنوان تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی در مورد تفاوت نسل‌ها نتیجه می‌گیرد که مجموعه‌ای از تفاوت سنی یا نسلی ناشی از چرخه زندگی، اقتضائات سنی و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یکدیگر و تغییر در ارزش‌های اجتماعی، جایگزین ارزش‌های نسل قبلی می‌شود.

به نظر گیدنز^۱ اختلاف بین نسل‌ها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. وی معتقد است نسل‌های جوان امروز نسبت به نسل‌های پیشین به مسائل اخلاقی بسیار حساس‌ترند، اما آن‌ها این ارزش‌ها را به سنت ربط نمی‌دهند یا شکل‌های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین‌کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی‌پذیرند. به عقیده وی به جای این‌که به دوره خودمان به منزله عصر انحطاط اخلاقی بنگریم، منطقی است که آن را عصر انتقال اخلاقی در نظر بگیریم (گیدنز، ۲۰۰۶: ۴۲). گیدنز توسعه و پیشرفت را یکی از عوامل تأثیرگذار در پذیرش ارزش‌های مدرن تلقی می‌کند که نسل‌های جدیدتر بیشتر به آن تمایل دارند.

در این نظریات آنچه اهمیت دارد تغییرات فرهنگی است و آنچه این تغییرات را تسهیل کرده و امروزه بیشتر به گسترش آن دامن می‌زند، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی است. در واقع فضای مجازی به عنوان عاملی است که نقش واسطه و پیوند را میان ذهنیت و واقعیت ایفا کرده و به ابزاری برای کنترل ذهن و در نهایت کنترل رفتار تبدیل شده است. درحقیقت فضای مجازی با وجود نام آن، به شدت دارای آثار واقعی است و ضروری است با تفصیل بیشتری بدان پرداخته شود.

پیشینه عملی

تغییرات به معنای عام و کنجکاو نسبت به آن، ابتدا در مباحث فلسفی و ذیل مباحث هستی‌شناسی مطرح شده است و سپس در علوم طبیعی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و در ادامه به موضوعات تاریخی و به خصوص مباحث علوم اجتماعی و روان‌شناسی و تغییرات نسلی تسری پیدا کرد. آثار ارزشمندی در مورد تغییرات اجتماعی و تبیین بینش و رفتار و اخلاقیات مردم در حوزه علوم اجتماعی به وجود آمده است (روشه، ۱۳۸۵). جامعه‌شناسان نیز به‌طور ویژه به تغییر رفتار دینداران و تفسیر و تحلیل آن پرداختند. امروزه کمتر موضوعی است که در دانش جامعه‌شناسی بدان پرداخته نشده باشد؛ پس پرداختن به وضعیت جوانان ذیل جامعه‌شناسی

جوانان، مباحث جامعه‌شناختی در مورد فضای مجازی، جامعه‌شناسی بدن و جامعه‌شناسی زنان و مبحث مشارکت اجتماعی زنان و همچنین مبحث زنان و فضای مجازی از جمله این موارد هستند. از این منظر مسئله چالش‌های اخلاقی فضای مجازی هم از جمله موضوعاتی است که در متون جامعه‌شناسی بدان پرداخته شده است (عاملی و همکاران، ۱۳۹۰). این چالش‌ها در مورد بانوان به‌خاطر جایگاه زنان در فرهنگ ایرانی و اسلامی اهمیت بیشتری دارد. همچنین آثار زیادی در مورد بعد روان‌شناختی فضای مجازی و تأثیر استفاده زیاد از آن بر روان افراد مرتبط با این فضا وجود دارد؛ کسانی که نه از سر تفنن، بلکه به‌دلیل وظایف شغلی باید ساعت‌ها در این فضا کار کنند و در این جهان مجازی مشغول باشند که از قضا به‌شدت دارای اثرات واقعی هم در جهات شناختی و هم در جنبه‌های روانی، عاطفی و رفتاری است (نورمن، ۱۳۹۱).

در آثار مختلفی هم به وضعیت زنان در فضای مجازی پرداخته شده و تأثیرات اخلاقی و عاطفی و روانی ناشی از وب‌گردی و گشت و گذار در فضای مجازی و صفحات شخصی و اثرات آن بر زندگی فردی و خانوادگی مطرح شده است. حضور مداوم، از سر تفریح و تفنن و بی‌هدف و منفعلانه در این فضا موجب تغییرات و رفتارهایی در افراد شده است. سرانجام برخی از این افراد گاهی به مراکز امنیتی کشیده شده و یا حتی به کلاهبرداری، تخریب روابط خانوادگی، ازدواج ناموفق و حتی قتل و جنایت منتهی شده است (موحدنسب، ۱۳۹۷). این مطالب در عرصه جهانی هم در گزارشات یونسکو منعکس شده است و هم در کتب مربوط به این حوزه در تحقیقات داخلی و خارجی مطرح شده است (کاپورو، ۱۴۰۰). از این نظر لازم است پیوسته به کودکان، نوجوانان و زنان و کسانی که مستعد آسیب‌پذیری هستند، گوشزد شود که این فضا چندان هم ایمن نیست و آن‌ها باید هم مراقب خود باشند و هم از داشته‌ها، نشانی محل سکونت، امنیت شغلی و نیز حساب‌های بانکی و عکس‌ها و فیلم‌ها، و روابط شخصی و از این قبیل مواظبت کنند (عاملی و همکاران، ۱۳۹۰)، چراکه سهل‌انگاری نسبت به این هشدرها موجب بروز حوادث ناگوار شده و در بسیاری موارد کار به پلیس و مراکز امنیتی و قضایی و حبس و زندان نیز کشیده می‌شود که شایع‌ترین آن‌ها کلاهبرداری‌های مالی و دستبرد به حساب‌های بانکی است.

در مورد مصادیق اخلاقی این چالش‌ها در خصوص زنان مقالات تحقیقی زیادی به نگارش در آمده است و سعی شده انواع گوناگون این آسیب‌ها، در تعاملات اجتماعی زنان و نیز چالش‌های اخلاقی و بروز مشکلات ناشی از حضور آنان در این فضا و تغییر در سبک زندگی مادران و دختران مورد بررسی قرار گیرد. درواقع با ظهور شبکه‌های مجازی بر پایه اینترنت این مبحث شیوع بیشتری پیدا کرد. در این تحقیقات به مواردی مانند تفکیک حجاب و عفاف از یکدیگر، بدفهمی در مورد آموزه‌ها و مفاهیم دینی، دفاع بد از آموزه‌های دینی، برون‌زا بودن توسعه و ضعف فعالیت‌های فرهنگی و رشد رسانه و تبلیغ الگوهای متنوع ناشی از توسعه‌یافتگی از جمله عوامل رشد و گسترش آسیب‌ها و چالش‌های اخلاقی زنان به‌خصوص در مورد حجاب اشاره شده است (مجبوبی منش، ۱۳۸۶).

با رشد فضای مجازی در اواخر دهه هشتاد و آغاز دهه نود این چالش‌ها همچنان بیشتر شده و خود زنان را به واکنش و موضع‌گیری و اقرار واداشته است. با ملاحظه پژوهش‌های میدانی موجود از آن زمان، زنان خود معترف بوده‌اند که با گسترش اینترنت و شبکه‌های مجازی، در تعاملات اجتماعی از نوع مجازی با مواردی چون اذیت و آزار جنسیتی، خشونت نوشتاری و کلامی، ناامنی برای حضور زنان در فضای مجازی مانند ناامنی‌های موجود در فضای واقعی، از قبیل به‌کارگیری الفاظ رکیک نسبت به زنان در صفحات شخصی، گسترش کلیشه‌های جنسیتی، سعی بر تحکیم سلطه مردانه در روابط موجود در فضای مجازی، افراط در پرداختن به ارتباطات مجازی، افسردگی و انزوای ناشی از آن، تضعیف ارتباطات خانوادگی و نیز خودنمایی و خودآرایی و جلوه‌گری مواجه بودند (امیرشاهی و ایرانشاهی، ۱۳۸۹).

به‌صورت موردی و جزئی بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان شبکه‌های اجتماعی، اینستاگرام به‌عنوان رسانه‌ای تصوی محور، تأثیرات بیشتری بر زنان دارد و در نتیجه به‌خاطر نقش زنان در خانواده ایرانی می‌تواند آسیب‌های بیشتری را نیز به همراه داشته باشد. در یک نگاه کلی، در بیان مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از این رسانه مسائلی چون تعرض جنسی، روابط آزاد با نامحرم و خیانت سایبری، عادی‌سازی بی‌اخلاقی، مدگرایی، اعتیاد مجازی، افشای حریم خصوصی، بی‌توجهی به انجام دستورات دینی از جمله عدم رعایت عفاف و حجاب، ترویج برهنگی،

تغییرات فرهنگی، مشکلات روحی و روانی، میل به ابراز وجود، جلوه‌گری، فردگرایی و تضعیف نقش مادری و همسری از جمله مواردی است که بدان اشاره شده است. همچنین ایجاد شکاف نسلی بین والدین و فرزندان، بحران هویت جوانان، ایجاد ارتباطات ناسالم، تغییر نگرش و خودباختگی، اعتیاد اینترنتی، ایجاد شکاف و فاصله در روابط بین زوجین، تضعیف جایگاه خانواده، خیانت و طلاق نیز از جمله آثار ترویج این رسانه برشمرده شده است (خان‌محمدی و غازی، ۱۳۹۹).

در مورد نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در گسترش چالش‌های اخلاقی و عفاف و حجاب نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که راه تقویت و ترویج ارزش‌های اخلاقی و عفاف و حجاب همان راهی است که این آسیب‌ها از آن به‌وجود آمده است. بنابراین رسانه‌ها در ترویج مدل‌های سازنده، جریان‌سازی و همگن‌سازی پوشش و حجاب و تأثیر آن‌ها در فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری و جهت‌دهی به افکار و رفتار و ترویج عفاف و حجاب نقش سازنده‌ای دارند (متانی، ۱۳۹۶: ۸، ۳۲، ۳۷). همچنین علاوه بر نقش ابزاری رسانه‌ها، تبیین معارف نظری و عقلانی و روشنگری منطقی و بیان ابعاد و چارچوب‌های نظری عقاید و باورها در اصلاح رفتار مؤثر شمرده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر افراد در نوع رفتار خود تابع دیدگاه و نظری هستند و این نظرات یا ریشه در عقاید سنتی و گذشته این سرزمین دارد و یا اندیشه‌های ناشی از گسترش رسانه‌ها و فلسفه‌های جدید و انسان‌گرایانه است (آیبار، و همکاران، ۲۰۱۸). درواقع بیان ابعاد اعتقادی، کلامی، فقهی، و تبیین روشنگرانه در مورد اصل حجاب و ارائه تبیین‌های نظری در مورد اموری چون عفاف و حجاب طبق نیازهای مخاطبان بر نحوه رفتار آنان مؤثر بوده است، زیرا بیشتر مخاطبان برای رعایت ارزش‌های اخلاقی و تعدیل رفتار به این تبیین‌های منطقی و عقلی هم احساس نیاز می‌کنند و کم‌وبیش بدان توجه دارند. به این ترتیب از مباحث فوق درمی‌یابیم که تأثیر فضای مجازی به‌طور کلی هم دارای آثار شناختی و تغییر نگرش است، و هم به لحاظ روانی و عاطفی و روحی آثار زیادی بر جای گذاشته است که در پیشینه به آن اشاره شده است؛ و البته گسترش حضور زنان در فضای مجازی یکی از اثرات فضای مجازی است که به‌خودی‌خود چالش‌های زیادی را برانگیخته است.

گسترش ارتباطات اجتماعی زنان در فضای مجازی

فضای مجازی اکنون به آسان‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین و سریع‌ترین و گسترده‌ترین شکل ارتباط در آمده است. این ارتباط تمام شئون زندگی را دربرگرفته است. رشد و گسترش ارتباطات مجازی به تغییر در اشکال گوناگون تعاملات اجتماعی منجر شده است و باعث شد که نحوه تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز از شکل گذشته فاصله گرفته و از طریق تلفیق با هنر و روش‌های رسانه‌ای و مهارت‌های برنامه‌سازی در فضای مجازی دارای اثرات شگرفی گردند و مخاطبان را به جهانی سوق بدهند که تا حدود زیادی با واقعیت فاصله دارند. رسانه‌های نوین هم از جهتی بر دو قسم‌اند: یکی رسانه‌هایی چون رادیو و تلویزیون و ماهواره که بیشتر یک طرفه بوده و پیام را با سرعت به مخاطب منتقل می‌کنند، اما عکس‌العمل و واکنش‌ها، به صورت خیلی دیر هنگام قابل سنجش و ارزیابی بوده است؛ قسم دوم آن دسته از رسانه‌هایی هستند که حالت تعاملی داشته و حتی می‌توان واکنش فوری و عاجل آن را نیز مشاهده و ارزیابی کرد. این رسانه‌ها با خود واکنش‌های بسیار پرسرعت را به دنبال دارند و مهم‌تر این که منجر به شبکه‌ای از ارتباطات بی‌انتهای می‌گردند. این تعامل شبکه‌ای هم با سرعت منجر به تولید محتوا و هم چرخش اطلاعات می‌گردد، پس به سختی می‌توان نتایج گسترش یک خبر را پیش‌بینی کرد (کسینجر و دیگران، ۱۴۰۱). گاهی خبری کوچک و نه‌چندان بااهمیت، جهان را به شوک فرو می‌برد و غوغای بزرگ ایجاد می‌کند، و گاهی برعکس وقایع عظیم مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند و یا جنایت‌های گسترده، نسل‌کشی‌ها و اشغالگری‌ها، طبیعی و حق‌به‌جانب تفسیر می‌شوند و به آسانی توجیه شده و حتی توسط بعضی از مخاطبین پذیرفته می‌شوند. این حساسیت‌زدایی در امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی باعث شد که فضای مجازی برای دولت‌ها و حکومت‌ها با ماهیتی دوگانه و گاهی خطرناک جلوه کند.

امروزه استفاده از فضای مجازی به عنوان شبکه گسترده جهانی باعث شده که تعاملات، تبادل نظر و عقیده، به اشتراک‌گذاری اطلاعات، ارائه پشتیبانی اجتماعی، انجام بسیاری از کارها از طریق برخط مانند معاملات بانکی، ثبت تجاری، برگزاری جلسات برخط، همایش‌ها، ایجاد رسانه‌های هنری، بازی کردن، مشارکت در بحث‌های سیاسی و غیره

به صورت برخط انجام گیرد. اکنون اصطلاح فضای مجازی به ابزاری برای توصیف هرگونه تعامل اینترنتی و محصولات متنوع مرتبط با آن تبدیل شده است. اعتقاد بر این است که در بین افراد موجود در فضای مجازی، کد قوانین و اصول اخلاقی مشترک وجود دارد که همه از آن‌ها پیروی می‌کنند و از آن به عنوان «سایبرنتیک» یاد می‌شود. بسیاری حق رازداری را مهم‌ترین کد عملکردی سایبرنتیک می‌دانند. چنین مسئولیت‌های اخلاقی هنگام کار برخط^۱ با شبکه‌های جهانی به ویژه هنگامی که نظرات با تجربیات اجتماعی برخط درگیر می‌شوند، اهمیت زیادی پیدا می‌کنند (کاپورو، ۱۴۰۰).

طبق گفته‌های اندیشمندان جامعه‌شناسی حوزه رسانه و دیجیتال، یک ویژگی دیگر فضای مجازی آن است که این ظرفیت عظیم ارتباطی بیشتر در بعد تعاملات اجتماعی درگیر زندگی مردم شده است تا جنبه‌های فنی آن. از نظر آن‌ها، رسانه محاسباتی در فضای سایبر، تقویت کانال ارتباطی بین افراد واقعی است. ویژگی اصلی فضای مجازی این است که محیطی را ارائه می‌دهد که شامل بسیاری از شرکت‌کنندگان با توانایی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر یکدیگر است. آن‌ها این مفهوم را از این باور به دست می‌آورند که مردم به دنبال ثروت، پیچیدگی و عمق درونی در یک دنیای مجازی هستند (کلبک، ۱۳۹۶). پدیده توجه به محیط بیرون و دیدن مردم به عنوان کاربران خوشبخت بدون توجه به واقعیت زندگی آن‌ها در فضاهای بی‌پایان مجازی موجبات عوارض روحی و روانی و معنوی زیادی را فراهم آورده است و از جانب آن آسیب‌های فراوانی هم به زندگی افراد و هم حیات مؤسسات و سازمان‌ها وارد شده است، و زنان نیز از این امر مستثنی نیستند.

اخلاق و فضای مجازی

یکی از آثار مهم فضای مجازی برای کاربران مواجهه با بد اخلاقی و آثار روانی آن است. این بد اخلاقی‌ها برای زنان و دختران دارای اثرات زیان‌بارتری است، زیرا در رسانه‌های نوین به خصوص فضای مجازی، رفتارهایی مشاهده می‌شود که در فضای واقعی تاکنون شبیه آن یا

وجود نداشته و یا کمتر دیده شده، و یا این که امکان انجام بعضی از آن‌ها با فرض در معرض دید همگانی بودن آن، وجود نداشته است.

وجود سه ویژگی گمنامی، سرعت ارتباط و سیال بودن، پیامدهای گسترده‌ای را در روابط جنسیتی، و الگوهای ارتباطی و دوست‌یابی جوانان بر جای می‌گذارد. تداخل طبقه با جنسیت و جغرافیا می‌تواند فضای آزادکننده‌ای برای دسته‌ای از جوانان پدید آورد و مرزبندی‌های رایج جنسیتی و اجتماعی را در فرهنگ جوانان کم‌رنگ سازد (ذکایی، ۱۴۰۰). صدور این رفتارها به لحاظ کمیت و کیفیت و تعداد از هر فردی بسیار زیاد، متنوع و غیرقابل محاسبه و حتی برای آینده یک صفحه شخصی غیرقابل پیش‌بینی است. بسیاری از مخاطبان نمی‌دانند که فرد صاحب صفحه مجازی قرار است دفعه بعد چه برنامه‌ای ارائه دهد، زیرا صاحبان صفحات مجازی به‌طور دائم باید رفتارهای پیش‌بینی‌نشده‌ای نشان دهند تا جذابیت حفظ گردد و نظر مخاطب جلب شود و مخاطبان جدید اضافه شوند و بمانند. پس پیوسته باید خود را برای تولید و ارائه نمونه‌های بعدی آماده کنند و اقبال مخاطبان را به رفتار خود از طریق چشم و گوش و جلب توجه و ایجاد سرگرمی و هیجان، همچنان تشنه و گرسنه نگه دارند تا دنبال‌کنندگان او، صفحه را ترک نکنند و پیوسته راضی باشند؛ حتی انگیزه‌هایی مانند پیدا کردن همسر و شیطنتها و سرکار گذاشتن‌ها، مهیج بودن فضای چت و سرگرمی‌های مجازی، شناخت بهتر افراد جامعه و غلبه بر تنهایی، متفاوت بودن آدم‌ها در فضای چت و صفحات مجازی از انگیزه‌های پرسه‌زنی در فضای مجازی است (همان). برای صاحبان صفحات هم اوج این رفتارها زمانی است که بتوانند تعداد مخاطبان را به جایی برسانند که تبلیغات بگیرند و از طریق آن پول در بیاورند و در ادامه به رتق و فتق زندگی بپردازند. به عبارت دیگر شروع و پایان چنین رفتارهایی بیشتر جنبه‌های مادی، هیجانی، روانی، عاطفی، اقتصادی و در نهایت درآمد بیشتر و جلب توجه بیشتر و تداوم این حالت در مسیر یک آینده مبهم و نامعلوم است.

از طرف دیگر در گذشت زمان این رفتارها برای جلب توجه بیشتر مخاطبان به یک عادت و نیاز در طرف مقابل تبدیل می‌گردد و مخاطبان هم به این فضا و رفتارها و هیجانات

ناشی از آن به‌ویژه سرگرمی با انواع بازی و تماشای صحنه‌های مهیج و جذاب معتاد می‌شوند، تا جایی که گویی سیر و سیاحت کذایی و تماشای انواع صحنه‌ها روح و روان، ذهن و ضمیر افراد را متأثر کرده و طبیعت آنان را متأثر کرده و تغییر می‌دهد و نوعی بی‌ملاحظه‌گی، خودمحموری و خودمداری، تقلید از موارد خوشایند، پیروی از اشخاص مشهور و سبک خوراک و پوشش آن‌ها را به‌دنبال می‌آورد و درعین حال حضور بی‌فرجام و همراه با فرسایش روان، افراد را در این فضا گرفتار می‌کند. از این نظر است که به آن اعتیاد مجازی گفته می‌شود (عاملی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین چنین افرادی به‌دلیل مشاهده فیلم‌های انگیزشی، کسب موفقیت‌های کذایی و زندگی اشراف‌گونه بعضی افراد و خوشی‌های ظاهری و ظواهر فریبنده زندگی دیگر اشخاص، به شخصیت‌های افسرده، مضطرب، ناامید و رؤیاپرداز، و غیرواقع‌نگر تبدیل شده و بدون آن‌که شرایط خود را لحاظ کنند، دیگران را مقصر همه بدبختی‌های خود می‌دانند. رفتارهایی چون آرایش بی‌رویه، پوشش نامناسب، رفتار نمایشی و بزک‌کرده، جلف‌بازی، تلاش برای جلب توجه با لوده‌بازی و ادا درآوردن، تقلید از رفتار دیگران و به‌بازی گرفتن آداب عرفی و سنت‌ها، شخصیت‌ها و بعضی آموزه‌ها و سنن دینی و ملی نمونه‌هایی از رفتارهای هستند که امروز در فضای مجازی رایج شده‌اند (موحد نسب، ۱۳۹۷). درواقع با این امکانات و ظرفیت‌ها، مردم امروزه برای ورود به جهانی مهیا شده‌اند که برای مواجهه با آن تربیت نشده‌اند و همین‌طور برای مراحل بعدی زندگی برنامه مناسبی نداشته و چندان تصویر روشنی از آینده پیش روی خود هم ندارند و نمی‌دانند که بعد از شش ماه و یک سال دیگر در چه وضعی قرار خواهند گرفت.

با این حال آنچه باعث شده است بسیاری از اتفاقات ناگوار از قبیل افسردگی و اضطراب و پوچی را کمتر از دیگر جاهای جهان در بین جوانان شاهد باشیم، غنی بودن فرهنگ ایرانی و وجود آموزه‌هایی است که معمولا در شرایط سخت و حاد زندگی و تعاملات جمعی توسط افراد تربیت‌یافته در خانواده‌های اصیل و نیز در مناسبات رفتاری و آداب اجتماعی ریشه‌دار به‌کار می‌آید و این فرهنگ توسط افراد زیادی که به‌صورت خودکار به تولید محتوای آموزنده و ارزشمند مشغول هستند، مراقبت می‌گردد (خانیکی، ۱۴۰۱). از این نظر است که امروزه فضای

مجازی پر است از انواع محتواهای مفید و مضر و ازجمله بسیاری از چالش‌هایی که موارد زیادی از آن به چالش‌های اخلاقی برای زنان و دختران تبدیل شده است. در ادامه، این چالش‌ها که در مقالات و کتب نویسندگان بدان‌ها اشاره شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمونه‌هایی از چالش‌های اخلاقی زنان در فضای مجازی

با وجود این‌که گسترش فضای مجازی فواید و کارکردهای مثبت بی‌شماری داشته است، اما آثار روانی و اخلاقی مخرب و ناخوشایند زیادی نیز به دنبال داشته است. درواقع فضای مجازی شرایط بروز و ظهور بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را فراهم نموده و موجب چالش‌های اخلاقی فراوانی شده است. می‌توان گفت آثار گسترش فناوری دیجیتال، اینترنت و فضای مجازی آن‌قدر زیاد بوده که تحولات مربوط به آن، به موضوع بحث برای علوم مختلفی از قبیل علوم اجتماعی، روان‌شناسی و علوم اخلاقی و از این قبیل تبدیل شده و حتی گرایش میان‌رشته‌ای «علوم انسانی دیجیتال» نیز در بعضی کشورها تأسیس شده است. مباحثی مانند اخلاق و فناوری، اخلاق دیجیتال و اخلاق و فضای مجازی، متافیزیک مجازی و آسیب‌های فضای مجازی ازجمله این موارد هستند. همچنین طرح این مباحث به تولید کتاب‌ها و مقالات متعدد در موضوعات فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی و یا حتی موضوعات امنیتی، و اخلاقی منجر شده است. در حوزه آسیب‌های اخلاقی و حقوقی مواردی چون انواع بی‌اخلاقی‌های رایج در فضای مجازی، نقض حریم خصوصی، تولید و توزیع محتوای مستهجن، آموزش و تشویق کارهای خطرناک و غیراخلاقی، اخاذی، نقض مالکیت مادی و معنوی دیگران، ایجاد روابط غیراخلاقی و نامشروع، دامن زدن به شایعات با ترویج مطالب دروغ و غیرواقعی، ارسال پیام‌های ناخواسته (هرزنامه) و سوءاستفاده از دیگران، کلاهبرداری و تعدی به کودکان و افراد ناتوان، ازجمله این موارد هستند (عاملی و همکاران، ۱۳۹۰). با این حال در مورد زنان مواردی مانند عدم توجه به آموزه‌ها و دستورات دینی، نسبی‌گرایی اخلاقی، روابط آزاد با نامحرم و خیانت سایبری، جلوه‌گری و خودنمایی، اعتیاد مجازی، تضعیف شدید نقش همسری و مادری، بی‌ارزش شدن جایگاه و مقام واقعی زن،

گسترش مشکلات روانی و افسردگی و اضطراب، افشای حریم خصوصی، عادی شدن بی‌اخلاقی و بدزبانی و مدگرایی شدید و عوارض بی‌پایان و شکننده آن از جمله مواردی هستند که آثار سوء آن برای زنان باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین در بعد روابط اجتماعی موارد چون هرج و مرج و بی‌نظمی، کاهش روابط اجتماعی واقعی، هنجارشکنی در فضای مجازی و در مقابل عموم مخاطبان، فردگرایی خودخواهانه و از روی خودمحوری، دوجوهانی شدن و ورود به جهانی مجازی و متأثر از فناوری و گاهی واقعی پنداشتن آن و تحمیل این عوارض بر رفتار فرد در مطالعات میدانی مورد پرسش و پژوهش قرار گرفتند (خان‌محمدی و غازی، ۱۳۹۹).

با توجه به پیامدهای ناگوار و ضداخلاقی رفتار بسیاری از کاربران در فضای مجازی، امروزه اخلاقی شدن فضای سایبر، به معنای مراعات هرچه بیشتر اصول اخلاقی توسط کاربران فضای مجازی و در همه شئون مربوط به این فضا، تبدیل به یکی از خواسته‌های انسان‌های اخلاق‌گرا، اعم از متدین و غیرمتدین شده است (موحدنسب، ۱۳۹۷)، اما در این مسیر نیز موانعی وجود دارد. بعضی از موانع عبارتند از: شدت یافتن معنویت‌گریزی و پیروی از هواهای نفسانی، ناهنجاری‌های جنسی، سودجویی و منفعت‌طلبی و طمع‌ورزی، جذب مخاطب به هر طریق، تولید و ترویج محتواهای سست و نادرست علمی و جا زدن شبه‌علم به جای علم، تشدید اختلاف در مصادیق امور اخلاقی و غیراخلاقی، ضعف قانون و اخلاق در مورد عرصه فضای مجازی، ترویج جهالت و ساده‌انگاری و خوش‌باوری، عدم بلوغ فکری بعضی کاربران، شهرت‌طلبی، امکان ناشناس ماندن، حس کنج‌کاوی، دامنه‌دارتر شدن اختلافات، گسترش کینه‌ها و حسادت‌ها، رقابت‌های نابجا، گسترش شکاف اخلاقی در تعاملات دیجیتال (همان).

در میان چالش‌های اخلاقی مربوط به زنان آنچه بیشتر اهمیت دارد، اخلال در معنای زن بودن، نفی هویت زنانه، اخلال در تربیت و رشد آنان، برای تبدیل شدن به یک زن رشیده و پاکدامن و نیز تبدیل شدن به یک همسر و مادر و در پایان مربی و پرورش‌دهنده فرزند است و این‌که درنهایت به‌عنوان انسان علاوه بر امکانات مادی زندگی، از سعادت و رستگاری معنوی

و حیات طیّبه و سعادت و نجات اخروی برخوردار گردند. در این صورت است که جایگاه زن حفظ شده و مقامش مورد تکریم قرار گرفته و حقوقش حفظ می‌گردد؛ البته بقیه حقوق‌ها و تکالیف و وظایف در صورت به خدمت گرفته شدن در مسیر این هدف نهایی معنا پیدا می‌کند.

بنابر آنچه بحث شد، باید توجه کرد که از چالش‌های موجود در فضای مجازی، آنچه بیشتر زنان را مورد آسیب قرار می‌دهد، چالش‌هایی هستند که برای بروز و ظهور هویت زنانه آن‌ها مانع ایجاد کرده و یا آن را منحرف می‌کنند. مهمترین این چالش‌ها عبارتند از انحراف شناختی در مورد عقاید و باورها و از جمله عدم شناخت صحیح هویت انسان و نیز هویت زن و جایگاه زنانگی در مناسبات زندگی. موارد دیگر از قبیل گرفتار شدن در دام نسبی‌گرایی اخلاقی که منشأ بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها است، گرفتار شدن در باورهای فمینیستی و کم‌توجهی و یا نفی نقش زنانگی، گریز از زن بودن، انکار و پرهیز از قبول نقش همسری و مادری و جدا کردن عفاف از حجاب از جمله مهمترین چالش‌ها هستند که شیوع آن منجر به تضعیف خانواده و شکاف نسلی و در نتیجه، تباه شدن جامعه و آسیب‌های فردی و اجتماعی برای شکل‌دهی و ساختن آینده طولانی مدت زندگی فردی و اجتماعی است (قربابی و همکاران، ۱۳۹۷). چالش‌هایی چون اعتیاد به فضای مجازی، گرفتار شدن به خودمحوری و خودمداری، ولنگاری در ارتباطات مجازی، دچار شدن به هرج و مرج و بی‌نظمی، حاکم شدن جلوه‌های چشم‌نواز و به ظاهر جذاب فضای مجازی و جدی پنداشتن آن‌ها در زندگی واقعی، دوجہانی شدن (خلط جهان واقعی و مجازی) و تحمیل آثار جهان مجازی بر زندگی واقعی، اصالت‌بخشی به دیده‌ها و نه آنچه که ممکن است ساختگی باشد، از دیگر مواردی است که زنان را دچار چالش‌های متعدد روحی، روانی و اخلاقی می‌کند (امیرشاهی و ایرانشاهی، ۱۳۸۹). با این وصف گرفتار شدن در دام مدگرایی، خودنمایی، جلوه‌گری، و به‌ویژه تبلیغات مد و لباس، و کم‌توجهی به امر عفاف و حیاء و حفظ نگاه و زبان و درنهایت حجاب نیز از جمله مواردی است که در شخصیت فرد نمود پیدا کرده و میزان اثرپذیری وی از فضای مجازی را آشکار می‌نماید (همان).

به دلیل اهمیت آگاهی بیشتر از مصادیق چالش‌های اخلاقی موجود در فضای مجازی که در تحقیقات میدانی مطرح شده‌اند، چند مورد از این چالش‌ها به صورت مفصل‌تری مورد بحث قرار می‌گیرد.

خودنمایی و تبرّج

یکی از مواردی که بیشتر از بقیه در رفتار زنان رواج پیدا کرده، چیزی است که در متون دینی از آن به تبرّج و خودنمایی تعبیر می‌گردد (احزاب: ۳۳). این رفتار در نسل دختران نسبت به مادران و بزرگترها خیلی بیشتر دیده می‌شود، تا جایی که گذاشتن فیلم و عکس و نوشته‌های مرتبط به مسائل شخصی و خانوادگی توسط نوجوانان و جوانان در عمل باعث شده است که روابط بین بزرگترها و فرزندان تیره شده و نسبت به هم فاصله بگیرند و حتی به قهر و مجادله و زدوخوردها منتهی می‌گردد (اکبری‌تبار و اسکندری‌پور، ۱۳۹۲). از طرفی خانواده‌هایی هستند که بر فرزندان خود هیچ کنترلی نداشته و فرزندان خود را کاملاً آزاد می‌گذارند. دخترانی هم هستند که به پدر و مادر خود زور می‌گویند. حضور این افراد در مدرسه از کلاس دوم و سوم ابتدایی تا دبیرستان اکنون به یک معضل در مواجهه آنان با دوستان همکلاسی تبدیل شده است. از این جنبه تفاوت‌های رفتاری زیادی بین افراد این نسل مشاهده می‌گردد؛ تعارض بین کسانی که با توجه به باورها، سنت‌ها و آداب اخلاقی عمل کرده و چون خود را ملزم به رعایت آن می‌بینند، حضور کنترل‌شده‌ای در این فضا دارد، و آن‌هایی که چندان اعتقادی به این موارد نداشته و خود را به انجام هر رفتاری مجاز می‌دانند. پس تحت تأثیر این فضا عمل می‌کنند و خود را از هر قیدی آزاد می‌انگارد. آنچه برایشان مهم است حضور در این فضا، دیده شدن و موردپسند^۱ قرار گرفتن است.

اثر پدیده‌های فوق در جامعه آن است که پیوند جمعی، شبکه روابط و همبستگی‌ها، و هماهنگی‌های ناشی از باورها و هنجارهای مشترک را در شرایط سخت کاهش داده و در گذشت زمان رفتارها و کنش‌های جمعی را غیرقابل پیش‌بینی می‌کند (عباس‌زاده، ۱۴۰۰). درواقع

لایه‌های پنهانی‌تر غایت و هدف بسیاری از این رسانه‌های مطرح در فضای مجازی، ترویج چنین تأثیرگذاری‌هایی است که می‌توان گفت به‌صورت نامحسوس در قالب جنگ نرم عمل می‌کنند که آثار آن فقط در گذر زمان پدیدار می‌گردد. خود مردم معمولاً به این موارد توجه ندارند، اما دست‌اندرکاران و صاحبان و گردانندگان رسانه‌ها و کارشناسان به آن واقف هستند. اگرچه همیشه نتیجه به دلخواه آنان نیست و این به طبیعت و ماهیت فرهنگ یک ملت و سرمایه‌های آن بستگی دارد که در شرایط مختلف به‌کار گفته شود و کارکرد خود را نشان دهد. این سرمایه‌ها در فرهنگ ایرانی-اسلامی بسیار زیاد است و لذا همواره باید دغدغه حفظ این سرمایه‌ها را داشت و تا به‌آسانی و با خوش‌خیالی به تاراج نروند. ارزش‌های اخلاقی و عفاف و حجاب و وقار زنان یکی از مهمترین این سرمایه‌ها است.

نسبی‌گرایی اخلاقی

یکی از مبانی و اصول ارزش‌های اخلاقی در اسلام ثابت بودن پایه‌ها و اصول اخلاقی است. راستگویی و یا وفای به‌عهد و صداقت و پابندی به اوامر الهی و حکم عقل همواره خوب است و به‌دلیل نقش ثابت‌های اخلاقی در رشد و تعالی فطرت انسانی، باید همواره به آن‌ها پایبند بود، اما فضای مجازی از مبانی فکری فلسفه‌ها و باورهای مدرن غربی متأثر است. بر اساس بنیان‌های اخلاقی فلسفه‌های جدید ارزش‌های اخلاقی نسبی است و معیار فضیلت فعل اخلاقی فردی و مبتنی بر عواطف، عرف و یا خواهش‌های افراد است و آنچه رایج شده و بیشتر دیده و شنیده می‌شود، تأکید بر سود و لذت و خوشایندی شخصی است و حتی بیشتر بر نیازهای مادی و طبیعی تأکید می‌گردد. درواقع فضای مجازی عرصه تقابل مستقیم دو مکتب فکری در حوزه ارزش‌های اخلاقی است (همان). دیدگاه نسبی‌گرایی اخلاقی و اصالت دادن به برآورده شدن نیازهای ظاهری انسان و عواطف و رضایتمندی او را معیار فضیلت اخلاقی دانستن، خود منشأ صدور بسیاری از ناهنجاری در مناسبات فضای مجازی شده است. از طرفی بسیاری از مخاطبان ظرفیت فکری و تحلیلی لازم برای تشخیص و تفکیک مرزبندی‌های اخلاقی رفتارهای نیک و بد را بر اساس مبانی اعتقادی و فرهنگی اسلام

ندارند و با صرف دیدن این مناظر آن‌ها را جذاب یافته، بدان گرایش پیدا کرده، انجام می‌دهند و به اصالت داشتن آن‌ها باور پیدا می‌کنند. پس این شرایط زنان را بیش از مردان و دختران نوجوان را بیش از دیگران در معرض آسیب قرار داده است (عاملی و همکاران، ۱۳۹۰).

ابتلاء به رفتارهای فمینیستی و آثار آن

یکی از مواردی که در اینترنت و فضای مجازی به شدت تبلیغ می‌شود، ترویج تفکرات فمینیستی، زن‌گرایی افراطی، مردستیزی و ترویج اندیشه تقابل بین زن و مرد و تأکید بر استقلال زنان و نفی ازدواج و حتی نفی هویت زنانگی و همسری و مادر بودن است که از آن به «سایرفمینیسم» و یا «فمینیسم سایبری» یاد می‌شود (موسوی، ۱۳۹۸). تأکید بر رنج تاریخی زنان، و مردان را علت آن معرفی کردن، نفی ازدواج و لزوم آزادی زنان و تحت فرمان مردان نبودن و کسب استقلال مالی و استفاده از مواهب دنیوی و نفی مادری و آن را مانع خوشبختی و رهایی معرفی کردن، و تحسین فرهنگ حاکم بر فضای مجازی که یونانی‌مآبی و غربی شدن را تبلیغ می‌کنند، مواردی از این قبیل باعث شده است. در نتیجه سطح نگاه افراد به جایگاه و موقعیت زن تنزل یافته و به دنبال آن امر ازدواج و تشکیل خانواده تحت تأثیر قرار گرفته و نوعی تقلیل‌گرایی بر اذهان حاکم گردیده است؛ به این معنی که ازدواج نوعی تعهد است و زن نباید زیر بار تعهد باشد. بنابراین هرگونه ارتباط بین زن و مرد در حد نیاز جنسی تعریف شده و آن هم همراه با تنوع‌طلبی و لذت‌گرایی است که در درازمدت به هرزگی و ولنگاری رایج منجر گردیده که به آسانی نمودهای آن در دسترس کاربران است. درواقع تنوع‌طلبی و برآوردن آن معیار آزادی زنان تلقی می‌گردد (همان). نتیجه ترویج چنین رویکردی زن را از همسر بودن به عنوان یک فرد در جامعه به یک نیروی کار مستقل تبدیل کرده است و او مسئول همه نیازهای خود معرفی می‌گردد. میل به اشتغال زنان هم محصول چنین رویکردی است (شلاقی و ونکر، ۱۳۹۳). این وضعیت آثار وسیعی را به جای گذاشته و خود منشأ بسیاری از ناهنجاری شده است؛ حتی امروزه موضوع نفی جنسیت و یا از خودیگانگی جنسیتی مطرح شده است. دیدگاه مذکور به بیان این تفکر می‌پردازد که زنان نسبت به جنسیت خود دچار تضادهای

روانی و رفتاری هستند، تا جایی که نقش مادری به عنوان مادری نهاده شده یک القای اجتماعی برای تقدس بخشیدن به نقش اجتماعی مادر تلقی می شود و موجب سلطه مردان می گردد (موسوی، ۱۳۹۸).

تعرضات جنسی

دو مشکل فوق، بنیاد برخی از مشکلات دیگری هستند که از جمله آن ها گرفتار شدن به رفتارهایی است از آن ها به نام «سایبر سکس» و یا «رفتار جنسی سایبری» تعبیر می شود. این روند نیز به گسترش تعرضات جنسی منجر شده و پیوسته روبه گسترش است، زیرا همچنان با رشد و گسترش توسعه اقتصادی و توزیع امکانات ارتباطی، اقشار جدید به این جرگه اضافه می شوند. امروزه وجود تلفن همراه اندروید و نرم افزارهای مرتبط و دیگر فناوری های این عرصه مثل هوش مصنوعی را به راحتی در همه جا شاهد هستیم، در حالی که هفت و یا هشت سال پیش به این میزان رواج نداشته است. به همین میزان باید گسترش آسیب ها را هم در نظر داشت. شیوع بعضی اقدامات در شکل توزیع فیلم، صدا، عکس، تصاویر و متن و از این قبیل به تحریک رفتار جنسی منجر می گردد. شکسته شدن مرزها در ارتباطات برای دختران و زنان به طور خواسته و ناخواسته آسیب های جبران ناپذیری را در پی دارد، که برای بخش زیادی از نوجوانان و حتی بزرگسالان آسیب جدی به دنبال دارد. روشن است که چنین مواردی در باورها و عقاید اسلامی مواردی حرام و مردود شاخته می شود، اما بستر چنین رفتارهای به خودی خود برای همگان فراهم است (خان محمدی و غازی، ۱۳۹۹). در ادامه چنین روندی است که افراد در فضای بسته دوفره مجازی همدیگر را پیدا کرده و بعضی با هم دوست می شوند، پیام رد و بدل می کنند و قرار می گذارند و در نهایت اتفاقات ناگواری می تواند رخ دهد که برای هر یک نمونه های فراوانی وجود دارد. از همین جاست که انواع تعرضات جنسی شکل می گیرد که رواج ارتباط با نامحرم و خیانت سایبری از جمله این ها است. این آسیب ها به مشکلاتی مانند طلاق و جدایی و انحرافات مثل اعتیاد و روسپیگری و اعتمادهای نابجا و فرار از خانه و از این قبیل منجر می شود.

آسیب‌پذیری زنان در بعد حیا و عفاف

فلسفه حجاب حفظ حیا و عفاف است، اما امروزه این دو سرمایه به شدت در معرض آسیب است. درواقع اصل بر حیا است. حیا باعث سلامت نفس و روان و تعالی روح و صفای باطن و بستر نشستن محبت الهی و هدایت‌پذیری فرد است. حیا آن قدر مهم است که در احادیث گفته شده است که کسی که حیا ندارد، دین ندارد و این نشانه اهمیت حیا در زندگی انسان دیندار و هدایت‌پذیری او است. درواقع حیا و عفاف و پادامنی اصل است و حجاب درحقیقت برای حفظ این سرمایه است. بنابراین عفاف و حجاب به مانند ظاهر و باطن و یا پوسته و داخل میوه است و هیچ‌یک بدون دیگری ممکن نیست.

امروزه تلاش می‌شود که این دو از یکدیگر متمایز و جدا معرفی گردند. بعضی از افراد معتقد هستند که حیا و عفاف دارند و می‌توانند حجاب نداشته باشند. آنان اظهار می‌کنند عفاف و نجابت و حیا ربطی به حجاب ندارد، اما به نظر می‌آید این دو بدون یکدیگر دوام چندانی نخواهند داشت. ممکن است کسی به ظاهر حجاب را رعایت کند، اما حیا و عفاف نداشته باشد (همان)، اما به طور قطع چنین حجابی اصالت ندارد و این رفتار وی ناشی از شرایط محیطی است. درواقع این رفتار در جایی بیشتر دیده می‌شود که در آن جمع حجاب یک رفتار ضروری اجتماعی برای آن طبقه و یا قشر به حساب می‌آید و فرد نمی‌تواند خارج از عرف آن محیط عمل کند، درحالی که حجاب واقعی و اصیل درحقیقت با خود ارزش دیگری مانند حیا و عفاف را حمل می‌کند و لذا در صورت حفظ حیا و عفاف حتی حضور زنان در فضای مجازی هم بسیار کم‌آسیب می‌شود و عوارضی مثل طلاق و خیانت و ابتلای به گناه و عصیان به همان میزان کاهش می‌یابد (آبیار و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین تفکیک حجاب و عفاف از یکدیگر یکی از مواردی است که امروز تبلیغ می‌شود، ولی چنین چیزی از نظر آموزه‌های دینی ممکن نیست و هیچ‌یک بدون دیگری دوام و کارایی ندارند.

پوشش و مسئله حجاب

یکی از ره‌آورد‌های تمدن بشری تکامل در پوشش است؛ حجاب نیز یکی از مصادیق آن

است. طبق اسناد مکتوب و تصاویر و مجسمه‌ها، حجاب تا بیش از هزار سال قبل از میلادی هم در بین‌النهرین سابقه دارد. همچنین در گذشته مردمان هر سرزمینی پوشش مخصوص به خود را داشتند. این وضع هنوز هم در بسیاری از حوزه‌های تمدنی، ممالک و کشورها جریان دارد (حداد عادل، ۱۳۷۸). تفاوت در پوشش چنان بود که با توجه به وضع پوشش می‌توان حس زد هر فردی به کدام منطقه یا سرزمین تعلق داشته است. این تعلقات سرزمینی در مقیاس قاره‌ای، کشورها، استان‌ها و یا حتی گاهی شهر و روستا با هم متفاوت بوده است (همان)، اما شیوع مدرنیته، نوسازی و توسعه به سبک زندگی مدرن، باعث شده که وضع پوشش به‌مانند خیلی از چیزهای دیگر تغییر کند. وضع پوشش در ابعاد جهانی به‌گونه‌ای تغییر کرده که اکنون به‌سختی می‌توان ملیت یا قومیت و یا سرزمین کسی را تنها از طریق پوشش و لباس رایج تشخیص داد، درحالی‌که در گذشته چنین چیزی ممکن بود.

درواقع یکی از ویژگی‌های توسعه، تغییر در وضعیت زنان، به‌ویژه پوشش و تأثیر آن بر سبک زندگی بوده است. اکنون مشاهده می‌گردد که افراد در چهار گوشه عالم تفاوتشان صرفاً به رنگ پوست و مو و وضع بدن است و در بقیه موارد از جمله آرایش و لباس همه شبیه هم شده‌اند. یکی از اشکال این تغییر در پوشش زنان، گرایش به برهنگی یا حرکت به‌سمت آن است. هر میزان از گذشته به اکنون نزدیک می‌شویم، این تغییر بیشتر می‌شود. میل دختران بیشتر آن است که به شکل ستاره‌های فیلم‌های هالیوودی و رسانه‌های پرتعداد و به‌اصطلاح سلبریتی‌های معروف دریابند و بر اساس الگوی برگرفته از آن‌ها سخن بگویند، راه بروند، بالاتر از همه لباس بپوشند و معاشرت کنند، درحالی‌که بسیاری از بزرگترها و به‌خصوص مادران قدیمی‌تر تمایل دارند در قالب‌هایی رفتار کنند که نشان‌دهنده میراث فرهنگی آن‌ها است و لذا دوست دارند فرزندانشان هم خودشان را مکلف به حفظ این میراث کنند. این وضعیت به موازات تأثیر بر روی پوشش، وضع حجاب را هم تحت تأثیر قرار داده و تغییرات زیادی در ظاهر آن به‌وجود آورده است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت امروزه انواع و اشکال و درجاتی از حجاب وجود دارد.

می‌گردد که در گذشته رایج نبوده و در دیگر جاهای جهان مانند آن کمتر دیده می‌شود و آن پدیده بدحجابی است که همراه با بی‌قوارگی، شلختگی و آویزان بودن شال و روسری از سر و دوش و اشکالی از لباس پوشیدن که برای آن از گذشته اسم و رسم خاصی وجود ندارد. زن ایرانی این پوشش‌های عجیب و غریب را در گذشته هیچ‌وقت تجربه نکرده است. در گذشته اگر افراد بی‌حجاب بودند، باز هم پوشش آنان با نوعی نظم، شیک‌پوشی و سنگینی و وقار همراه بوده است، اما امروزه انواع و اشکالی از شلختگی و بی‌قوارگی به‌عنوان مد تبلیغ شده و از طرف مخاطبان هم به‌آسانی پذیرفته می‌شود. پوشیدن شلوارهای پاره‌پاره و بلوزهای کوتاه و بدون رنگ‌ورو و یا بدرنگ و به‌طور کلی چیزی که نشانگر هویتی نیست و بلکه با خود نشانه‌ای جز بی‌هویتی حمل نمی‌کند، امروزه در زندگی زنان راه یافته است.

بالاخره طبق عقل و شعور و قواعد اجتماعی و عرفی هر فردی طبق فرهنگی زندگی می‌کند و لباس می‌پوشد. در فرهنگ ایرانی و اسلامی تکلیف این امور روشن و آشکار است؛ هر فردی یا باحجاب است و یا بی‌حجاب، و خیلی از کشورها افراد در همین دو حالت دیده می‌شوند، اما در ایران سه نوع پوشش رایج شده است که طبق آن هر فردی یا باحجاب است، یا بی‌حجاب و یا بدحجاب است. خود بدحجابی هم یک طیف از پوشش‌های میانه را تشکیل می‌دهد که هیچ ریشه‌ای در جایی هم ندارد و از هنجارهای جامعه نیز پیروی نمی‌کند، یا محصول آن نیست، اما اکنون به یک جریان اجتماعی قوی در پوشش تبدیل شده است.

در گذشته برای مدتی بعد از انقلاب به‌دلیل جدیت در اجرای قانون حجاب، بی‌حجابی در ایران وجود نداشته است، اما اکنون نفی حجاب خود منشأ شکل‌گیری یک نوع پوشش در عرف شده است. افزون‌بر این خیلی‌ها هم که بدحجاب‌اند و این بدحجابی آن‌قدر بی‌قواره و بدون چارچوب است که با بی‌حجابی چندان تفاوتی ندارد و از طرفی روی وضعیت پوشش باحجاب‌ها هم تأثیر گذاشته و به‌تدریج افراد باحجاب نیز به این جرگه اضافه می‌شوند. اکنون فشار روند تغییر پوشش از فضای مجازی به طرف فضای واقعی میل می‌کند و خود فضای مجازی به یک نیروی هنجارساز تبدیل شده است، بدون این‌که ارگان و یا سازمانی مسئولیت نظارت بر این تغییرات وسیع و دامنه‌دار را از طریق فضای مجازی برعهده بگیرد. بعضی از

بانوان محجبه معتقدند امروزه داشتن حجاب در ایران از کشورهای دیگر سخت‌تر شده و دلیل آن وجود نگاه‌ها و حتی تندی‌ها و گاهی توهین از طرف مخالفان حجاب است.

مسئله تغییر در پوشش و حجاب یکی از معضلات به نسبت قدیمی است که حداقل از حدود یک‌صد سال گذشته تاکنون به این صورت در آمده است و هنوز هم برای آن چارچوب مشخصی وجود ندارد. اگرچه حجاب حکم خدا است و راهی برای تقویت و حفظ تقوای فردی و مصونیت اجتماعی است و اجرای آن از وظایف مؤمنین به خداوند معرفی می‌گردد (صادق، ۱۳۹۱)، اما امروزه در رسانه‌ها و فضای مجازی و در نهایت در مناسبات واقعی، گفتمانی شکل گرفته که به وضع اصطلاح جدید انجامیده است؛ اصطلاحی که خودش تناقض‌آلود و بی‌مبنا و ریشه است و آن تعبیر «حجاب اجباری» است. واقعیت این است که بین اجبار و قانونمندی تفاوت بسیاری وجود دارد. آنچه اهمیت دارد این است که ارزش و حتی فلسفه حجاب بیش از همه حفظ تزکیه و تقوا و حیا و رشد و تعالی روحی و معنوی است که نیاز اساسی هر انسانی است و چنان هم نیست که فقط مختص زنان باشد، بلکه حجاب امری انسانی است و شکل آن در زنان و مردان به دلایل روان‌شناختی و تفاوت‌های صنفی زن و مرد در دین اسلام با هم فرق می‌کند (همان)، اما در اثر تبلیغات فزاینده رسانه‌ها و القای پیوسته برای تغییر در ذائقه و روان و تحریک به منظور تقویت احساس نیاز افراد به آن، یک تغییر علی‌غیرارادی در افراد پدید می‌آورد؛ مانند نشان دادن غذا به افراد گرسنه و تحریک ذائقه آن‌ها با تبلیغات جلف و جذاب و مهیج و محرک و بعد ادعای این که آن‌ها در انتخاب آزادند و کسی آن‌ها را مجبور نمی‌کند، اما در واقع چنین انتخابی جهت‌دار و تحدیدشده خواهد بود و به جبر تمایل روانی ایجاد می‌گردد.

در نتیجه آنچه تاکنون در مطالعات مربوط به فضای مجازی به دست آمده، نشان می‌دهد که نوعی جهان‌بینی و ارزش‌های وابسته به آن از طریق رسانه‌ها بر اذهان و روح و روان افراد حاکم می‌گردد که جنبه جبر روانی از طریق تبلیغات و ایجاد و تقویت کشش درونی به طرف سبک خاصی از پوشش و رفتار و آرایش است که برای نوجوانان و جوانان و حتی پابه‌سن‌گذاشته‌ها جذاب و اثرگذار است.

موضوع پوشش آن قدر مورد توجه بنگاه‌های رسانه‌ای جهانی قرار گرفته که اکنون بی‌حجابی نیز به یک ایدئولوژی تبدیل شده است. ادعا می‌گردد که این همه حساسیت نسبت به پوشش و حجاب به‌خاطر آزادی زنان است، ولی مسئله اصلی چیز دیگری است و آن کارکرد اقتصادی تنوع پوشش و یا آرایش در نظام اقتصادی است که از طریق ترک حجاب و قبول مد و مدگرایی حاصل می‌شود، و البته در عین حال از قوت و قدرت انداختن فرهنگ دینی و اسلامی در درازمدت است.

مدگرایی و حجاب

امروزه علاوه بر این که حریم پوشش زنان از طریق ترویج مد و شیوع مدگرایی به‌صورت فزاینده روبه‌زوال می‌رود، حجاب نیز به ابزاری برای ترویج فرهنگ مد و مدگرایی تبدیل شده است. اشکال اساسی در اینجاست که از چند سال گذشته خود حجاب دستمایه مدگرایی، تنوع‌طلبی، و سرگرمی و تفنن و تصرف در شکل حجاب و درنهایت پیدایش مفهومی به نام حجاب‌استایل‌ها شده است. اگرچه این معنا در متون علمی و فقهی هنوز چندان جایگاهی ندارد، اما در رسانه‌ها پرکاربرد شده است. با این حال باید توجه داشت که حجاب هم فقط به اسلام مربوط نمی‌شود و در مسیحیت و یهودیت و حتی زردشت و دیگر ادیان و مذاهب هم مطرح است. پس همواره با وجود تنوع شکلی، حریم آن در ادیان مختلف تاکنون رعایت شده و حدود کلی آن، که همان پوشش سرتاسر بدن هست، حفظ می‌شده است.

با روند روبه‌رشد ارزش‌های مدرن و گسترش فضای مجازی، این روند، حریم حجاب را هم تحت تأثیر قرار داده است، از این رو هم به لحاظ ماهیت ارزشی آن به‌عنوان یک سنت در پاسداشت معنویت و هم به لحاظ طبیعت مد و هدف ترویج آن، مد و مدگرایی زنان در تعاملات اجتماعی با اصل حجاب تعارض دارد (گسست نسل‌ها، ۳۵۲). اکنون تبلیغات بازار حجاب هم به نمادی برای رشد چرخش مالی و تقویت بازار مبادله اقتصادی تبدیل شده است و وضعیت پوشش در فضای مجازی نیز وضعیت بازار مد و لباس را تحت تأثیر قرار داده است. درواقع امر دایر بین منفعت و صرفه اقتصادی بعضی و حفظ ماهیت حجاب اسلامی

است. در اینجا آنچه آسیب می‌بیند، خود حجاب است که در اصل برای مقابله با مدگرایی و میل به خودنمایی و تبرّج وضع شده است.

امروزه مسیر چنین تبلیغاتی از طریق رسانه‌های جدید و به‌ویژه شبکه‌های مجازی به‌شدت در جریان است. این تبلیغات آن‌قدر شدید و اثرگذار بوده و مدل‌های پوشش به همراه توجیهات نظری و تفسیرهای اخلاقی از نوع انسان‌گرایانه و دنیاگرایانه عرضه می‌گردد که باعث شده دختران نسل جدید به لحاظ روانی خود را حق‌به‌جانب و طلبکار بدانند و به‌آسانی با کسانی که به آن‌ها تذکر می‌دهند، درگیر می‌شوند و گمان می‌کنند که حقی از آنان ضایع شده است، درحالی‌که توجه ندارند که به‌زودی خود به یکی از قربانیان این قبیل رفتارها تبدیل می‌شوند. از نظر تربیتی می‌توان گفت شیوه‌های تبلیغاتی مدرن از طریق رسانه و مد و با موسیقی و تصویر و فیلم و تکرار آن در ذهن مخاطب او را منفعل کرده و حتی این وضعیت را به‌صورت یک نیاز مشروع به او القاء می‌کند و این فکر را در آن‌ها می‌پروراند که کسانی به‌خاطر تنگ‌نظری و کهنه‌گرایی آن‌ها را از چنین موهبت‌هایی محروم کرده‌اند. چنین احساس نیازی که درنهایت به یک نیروی اجتماعی سرکش درآمده و می‌تواند آثار عینی مخرب به خود با همراه بیاورد، باید توسط مسئولین فرهنگی و اولیای جامعه مورد توجه قرار گیرد و منشأ و ریشه آن شناسایی گردد تا در صورت وقوع اعتراضاتی با اهداف خاص سیاسی ذیل شعارهای جنسیتی که بیش از هر چیز نیاز به فهمیده شدن و شناخت شدن و برخورد منطقی دارد، به یک معضل بزرگتر تبدیل نگردد.

حل ریشه‌ای همه این مشکلات هم مستلزم ترویج مبانی اندیشه و فلسفه فرهنگ اسلامی و تبیین اهمیت باورها و عقاید، اخلاقیات و امور شرعی و قوانین موضوعه آن است، و هم باید ماهیت مد و مدگرایی مورد بررسی و تبیین قرار گیرد و این‌که همه آن‌ها باید بیش از هر چیز به دغدغه زندگی سالم، سعادت نوعی انسان، حیات پاک و معنویت الهی و لقاء الله منتهی گردد که غایت فلسفه زندگی در آموزه‌های الهی است. این امر مستلزم پیشه کردن عقلانیت متناسب با معیارهای سعادت و پاکی و حیات پاک و جامعه سالم بر مبنای فرهنگ

اسلامی و ایرانی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ و نیز همو، ۱۳۹۸).

بحث و نتیجه گیری

حضور زنان در فضای مجازی کارکردهای مثبت و منفی فراوانی دارد. در بعد منفی ظهور چالش‌های اخلاقی برای زنان یکی از آثار گسترش فضای مجازی است. مواردی چون ترویج اندیشه‌های مدرن، طبیعت‌گرایی، انسان‌گرایی جدید، نسبی‌گرایی اخلاقی، فمینیسم و زن‌گرایی و مردستیزی، تعرضات جنسیتی، هجمه به عفاف و حیای زنان، جلوه‌گری و خودنمایی، مدگرایی و فشار روانی ناشی از تبلیغات گسترده بر علیه حجاب، تبلیغ پوشش بی‌قواره و نوعی بی‌نظمی و هرج و مرج رفتاری، خانواده‌ستیزی، تنهاگزینی و دوست‌یابی از جمله آسیب‌های فضای مجازی هستند.

این آسیب‌ها در مورد پوشش به معنای عام و حجاب به صورت خاص نمود بیشتری پیدا کرده است. این که چه چیزی باعث گسترش تغییرات زیاد در ظواهر زنان به ویژه پوشش و حجاب آنان شده است، موضوعی است که در عین روشنی به صورت یک معمای چندوجهی می‌نماید. پذیرش این تغییرات در واقع به ضرر آن‌ها است و در عین حال از آن استقبال می‌گردد، حتی پیوسته در رسانه‌ها وجود خطرات ناشی از فضای مجازی بیان می‌گردد، اما چرا باور آن سخت می‌نماید؟ دلایل متعددی دارد. می‌توان گفت علاوه بر این که تا حدود زیادی شناخت و نگرش زنان به هویت و جایگاه زنانگی تغییر کرده است، باید در نظر داشت که انسان موجودی است که به لحاظ فطری میل به بروز و ظهور کمالات و زیبایی‌های درونی خود دارد. این میل به دیده شدن و خودنمایی و خودآرایی در زنان بروز و ظهور بیشتری دارد و این امر در راستای رشد و تعالی خواهی او، و این که مورد تحسین و تمجید دیگران قرار بگیرد، نیز دارای اهمیت است. با این حال اگرچه در شرع و اخلاق بر کنترل و مرزبندی این موارد به ویژه برای بانوان تأکید شده است، اما این ظرفیت در عصر گسترش فضای مجازی به نفع نظام اقتصادی و فضای حاکم بر رسانه، به بازی گرفته شده، و به ابزاری تبدیل شده است که خواسته و ناخواسته منجر به تبرّج و خروج از مرزهای اخلاقی می‌گردد. پس افراد مستعد برای دیده شدن، تمایل خود را به شکل رایج در این فضا برآورده می‌کنند. در واقع به جای این که رفتار خود را بر دلایل منطقی و معرفتی بنا کنند، تحت تأثیر جذابیت‌ها و فشارهای روحی

ناشی از تبلیغات روانی فضای مجازی قرار می‌گیرند و برای رسیدن به آمال و آرزوهای خود دچار رفتارهایی می‌شوند که درنهایت به ضرر آن‌ها تمام می‌شود. کنار گذاشتن حجاب و پوشش اصیل عینی‌ترین و نمایان‌ترین رفتارها در زندگی روزمره به‌شمار می‌رود.

پیشنهادهات

۱. راه درست آن است که با تقویت باورها و آموزش فرهنگ رسانه و نقش آن در پیشبرد اجتماع و توجه به ماهیت ابزاری آن، فرهنگ درست استفاده تبلیغ و ترویج گردد و افراد برای حضور در این فضا، کلیت زندگی خود را در نظر بگیرند. به عبارت دیگر رویکردی کل‌نگرانه به زندگی داشته باشند و جزئی و بخشی به ابعاد وجودی خود ننگرند، و ابعاد جسمی و روانی و روحی را جدی بگیرند. آن‌ها نباید جنبه‌های مشخصی از نیازهای خود را که دارای عمر کوتاه خواهد بود و به‌زودی به یک نیاز ثانویه تبدیل خواهد شد، لحاظ کنند و گمان کنند که این همه هویت آن‌ها است و از جنبه‌های روحی و عقلی و سعادت نهایی باز بمانند.

۲. همچنین راه جلوگیری از افتادن در دام تبلیغات فضای مجازی آن است که با شناخت و درک ماهیت فضای مجازی و توجه به نیازهای ضروری زندگی و عوامل واقعی سعادت انسانی، هم امکان حضور در این فضا برای افراد فراهم گردد و هم با رعایت مرزهای عفاف و حجاب، راه رسیدن به حیات پاک و سعادت و معنویت باز بماند و درنهایت با داشتن جامعه سالم، حیات دنیا و آخرت که به ترتیب در طول هم قرار دارند، ساخته شود. در آموزش‌های دینی تأکید شده است که رعایت مقدمات حتماً نتایج امیدبخش خواهد داشت، از این رو خداوند متعال می‌فرماید: «قد افلح من تزکی» و این آموزه درباره کل زندگی به‌ویژه فضای مجازی هم باید رعایت گردد.

۱. آیار، زهرا؛ الله‌کرم، کرمی‌پور؛ سعید شریفی (۱۳۹۹). چالش‌های نظری حجاب در ایران پسا انقلاب: تحلیلی بر رویکردهای موجود از حجاب و عفاف. اسلام و علوم اجتماعی، ۱۲(۲۳): ۲۳۸-۲۱۷.
۲. اکبری‌تبار، علی‌اکبر؛ اسکندری، ابراهیم (۱۳۹۲). رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری تقارب و تبادل فرهنگی.
۳. امیر شاهی، امیر مسعود؛ ایرانشاهی، اعظم (۱۳۸۹). چالش‌های تعامل اجتماعی زنان ایرانی در فضای مجازی (از دید زنان فعال در فضای مجازی). مطالعات رسانه‌ای، (۱۷): ۹۵-۱۱۷.
۴. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۹۵). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه: مریم وتر. تهران: کویر.
۵. توکل، محمد؛ قاضی‌زاده، مریم (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکرد کلان جامعه‌شناختی: (بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظر مان‌هایم و بوردیو). نامه علوم اجتماعی، (۲۷): ۹۵-۱۲۴.
۶. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۸). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: انتشارات سروش.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). روش‌های آینده. تهران: مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). زن و بازیابی هویت حقیقی، گزیده بیانات. تهران: مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی.
۹. خانیکی، هادی (۱۴۰۱). اندیشه پیشرفت و تحولات جدید جامعه ایران. تهران: نشر نی.
۱۰. ذکایی، محمدسعید (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی جوانان ایران. تهران: نشر آگه.
۱۱. روشه، گی (۱۳۸۵). تغییرات اجتماعی. ترجمه: منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
۱۲. شلافی، فیلیس؛ ونکر، سوزان (۱۳۹۳). آن روی فمینیسم. ترجمه: نجمیه غلامعلی اللهیاری. قم: نشر معارف.
۱۳. صادقی، فاطمه (۱۳۹۲). جنسیت در آرای اخلاقی. تهران: نگاه معاصر.
۱۴. عاملی، سعید و همکاران (۱۳۹۰). فضای مجازی (ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۶. عباس‌زاده مرزبانی، مجید (۱۴۰۰). جهانی شدن فضای مجازی، و هویت ملی در ایران. تهران: کویر.

۱۷. قراباغی، حسن؛ یوسفی افراشته، مجید؛ صالحی، وحید (۱۳۹۷). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر حجاب و عفاف، هویت دینی و فردی، تعامل با خانواده و افسردگی و انزوا در بین جوانان. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۷(۴۲): ۲۵۷-۲۷۲.
۱۸. کاپورو، رافائل و همکاران (۱۴۰۰). اخلاق اطلاعات و فضای مجازی. ترجمه: محمد خندان. تهران: سوره مهر.
۱۹. کسینجر، هنری؛ اشمیت، اریک؛ دنیل، هاتلوچر (۱۴۰۱). عصر هوش مصنوعی و آینده انسانی ما. ترجمه: حمیدرضا بیژنی. تهران: انتشارات ققنوس.
۲۰. گلبک، جنیفر؛ طالب‌پور، اکبر (۱۳۹۶). تحلیل شبکه‌های اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
۲۱. مانهایم، کارل (۱۴۰۲). دموکراتیک شدن فرهنگ. ترجمه: پرویز اجلالی. تهران: نشر نی.
۲۲. متانی، مهرداد (۱۳۹۶). نقش رسانه‌های جمعی در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف زنان. زن و فرهنگ، ۸(۳۲): ۳۷-۴۶.
۲۳. محبوبی منش، حسین (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب. مطالعات راهبردی زنان، ۱۰(۳۸): ۸۸-۱۳۴.
۲۴. محمدی، کریم خان؛ غازی اصفهانی، مریم (۱۳۹۹). آسیب‌های اجتماعی نوظهور زنان در فضای مجازی با تأکید بر اینستاگرام. مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، ۲(۱): ۱۲۹-۱۴۴.
۲۵. موحد نسب، حامد (۱۳۹۷). اخلاق در فضای مجازی. تهران: تلاوت آرامش.
۲۶. موسوی، منصوره (۱۳۹۸). زنانگی و بدن. تهران: نشر فیروزه.
۲۷. نورمن، کنت ال (۱۳۹۱). روانشناسی سایبری، تعادل انسان - کامپیوتر. ترجمه: فاطمه وحدت نیا. تهران: نشر آسیم.

28. Giddens' A nthony (2006) *Sociology*. 5th Cambridge' Polity Press'.
29. Mannheim, Karl (1952) *Essays on the Sociology of Knowledge*. 1st London' Routledge&Kegan Paul Ltd' .